

هراس خامنه ای از بی حجابی

این نوشته بر مبنای مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی در کانال جدید تنظیم شده است.
صفحه ۲

سوئد: در باره ممنوعیت فعالیت مدارس مذهبی

یک موفقیت دیگر برای جنبش ما!

حسن صالحی
صفحه ۴

سخنرانی مهین علیپور در روز جهانی زن هشت مارس در استکهلم

صفحه ۶

پیرامون صدور کیفرخواست برای صدها نفر از دستگیرشدگان اعتراضات دیماه

محمد شکوهی
صفحه ۶

هشتم مارس سال ۲۰۱۸ در ایران از بسیاری جهات ویژه بود. یکی از ویژگیهایش عروج دختران خیابان انقلاب بود.

محمد آسنگران
صفحه ۷

جنبش کارگری در موقعیتی جدید

گفتگو با شهلا دانشفر
صفحه ۸

دهها انجمن صنفی با دهها هزار عضو به جنبش افزایش دستمزد پیوستند.

صفحه ۱۲



مهین علیپور - عکس منتشر شده در روزنامه های سوئد به مناسبت هشتم مارس

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۵

جمعه ۲۵ اسفند ۱۳۹۶، ۱۶ مارس ۲۰۱۸

اعتراضات کارگران در سراسر کشور در جریان است!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

در مورد اعتراضات کشاورزان شرق اصفهان

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

اعتراضات کارگری روز ۲۰ اسفند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

اعتراضات کارگری هر روز گسترش می یابد!

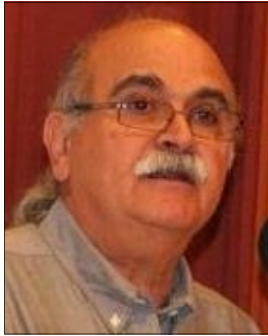
اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

fb.com/wpiran/

هراس خامنه ای از بی حجابی

این نوشته بر مبنای مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی در کانال جدید تنظیم شده است.



پیرسم که آینده این جنبش علیه حجاب را چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: نکته اول اینکه وقتی آن دختران شجاع در مترو حجاب از سر میگیرند و سرود میخوانند این نشان میدهد که این بگیر و ببندها و این نوع تبلیغات و خط و نشان کشیدنها تاثیری ندارد و نخواهد داشت. دختران شجاعانه هر روز بیشتر به میدان میایند و این حرکت بقول خودشان تکثیر پیدا میکند و مدام گسترده تر میشود. حرکتی که با اقدام يك زن قهرمان

شروع شد امروز میبینیم که در شهرهای مختلف و در اشکال مختلف بشکل جمعی و فردی دارد به پیش میرود و حتی در جاهائی پسران به این حرکت پیوسته اند. بنابراین حکومت نتوانسته و نخواهد توانست جلوی این حرکت را بگیرد.

بنظر من جامعه از مرز ترس و مرعوب شدن گذشته، نه فقط زنان بلکه کل جامعه از این مرز گذشته و این بگیر و ببندها چاره کار حکومت نیست. تبلیغات رژیم هم همانطور که گفتیم پوچ و مسخره تر از آنست که حتی صفوف خود حکومت را هم قانع کند. بنظر من ادامه این حرکت هر روز بیشتر در صفوف حکومتیها و لوله خواهد انداخت و اختلافات و دعوای آنها را تشدید خواهد کرد. از طرف دیگر مردم را بیشتر ترغیب خواهد کرد که در اشکال مختلف این مبارزه را ادامه دهند.

جنبش انقلابی ای که در دی ماه شروع شد بطور پیوسته و گسترده ای در اعماق پیش میرود. در جنبش کاری شاهد گسترش و رادیکالیزه شدن اعتراضات و تجمعات و عمل مستقیم کارگران و مارش کارگران در شهرها هستیم. از سوی دیگر هر روز بر روی دیوارها شعارهای مرگ برخامنه ای و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی و غیره

بیحقوقی زن مربوط نمیشود. مبارزه علیه حجاب یعنی اعتراض به کل حکومت اسلامی. مردم دارند کل حکومت و کل قوانین و اخلاقیات و تابوهای پوسیده اسلامی را به چالش می کشند و علیه اش می ایستند. حرکتی که در دیماه با شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم شروع شد الان در این عرصه با حرکت دختران انقلاب به پیش میرود. این ادامه همان حرکت است. بهمین دلیل من معتقدم این حلقه رابطی است بین جنبش توده ای مردم برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی با آزادی زن و رسیدن زنان به حقوقشان. اهمیت این حرکت اینجاست.

ما مدتهاست روی این نکته انگشت گذشته ایم که انقلابی که در ایران شکل می گیرد انقلابی زنانه خواهد بود و خصلتی زنانه خواهد داشت. زنانه هم به این معنا که زنان، یعنی ۵۰ درصد جامعه، يك نیروی محرکه فعال در انقلاب خواهند بود و هم باین معنی که مساله بی حقوقی مفروض زنان در جمهوری اسلامی يك عرصه و موضوع مهم انقلاب خواهد بود. امروز به عینه می بینیم که همین اتفاق دارد می افتد. بنظر من نه تنها زنان بلکه کل جامعه، ۹۹ درصدی های جامعه ایران، در این حرکت خودشان را سهم میدانند، از آن حمایت میکنند و آنرا تقویت می کنند چون میدانند که با این حرکت جمهوری اسلامی را بلرزه خواهند انداخت و در نهایت بزیر خواهند کشید.

خلیل کیوان: قبل از ۸ مارس حکومت تمهیدات زیادی بخرج داد، بگیر و ببندها کرد و نیروهایش را به خیابان آورد برای اینکه از برنامه هائی که برای ۸ مارس تدارک دیده شده بود جلوگیری کند. علیرغم این دیدیم در روز جهانی زن و از روز قبلش در شهرهای مختلف بمناسبت روز زن برنامه هائی اجرا شد. از جمله در مترو کلیسای میببینیم که دختران بدون حجاب سرود برابری میخوانند. می خواهم

حمید تقوایی: به خاطر اینکه میترسیدند برداشتن حجابها در این روز گسترش پیدا بکنند و همین طور هم شد. از چند روز قبل از ۸ مارس زنان باستقبال این روز رفتند و در مشهد و در تهران بطور دسته جمعی حجابها را برداشتند. کلیسای ها و ویدیوهایش را در مدیای اجتماعی می بینید. خامنه ای هم این ها را دیده بود و به خیال خودش میخواست به زنان، و به صفوف حکومتش در برخورد به جنبش دختران انقلاب، هشدار بدهد و خط و نشان بکشد. اما حتی همین اظهارات بیشتر هراس و نگرانی و سردرگمی حکومتیها را به نمایش گذاشت تا قدرتشان را.

خلیل کیوان: مساله حجاب اجباری و مبارزه علیه حجاب چه جایگاه و اهمیتی برای آزادی زن و کلا آزادی جامعه دارد؟ چرا حرکت دختران خیابان انقلاب اینقدر مورد توجه قرار گرفته است؟

حمید تقوایی: این حرکتی است که مبارزه برای آزادی زن را به کل مبارزه برای آزادی جامعه پیوند میزند و بهمین دلیل عاملین این حرکت "دختران انقلاب" یا "دختران خیابان انقلاب" لقب گرفته اند. دخترانی که انقلاب علیه جمهوری اسلامی را نمایندگی میکنند. حجابی که دختران بر سرچوب می کنند مثل پرچی است که جامعه را بسیج می کند علیه کل حکومت. مردم دارند به یکی از نقاط ضعف اصلی حکومت حمله می کنند.

این را باید توجه داشت که مساله حجاب صرفا مساله پوشش زنان و آزادی پوشش و غیره نیست بلکه این مساله ایست که بطور سمبولیکی کل بی حقوقی زن را در ایران نمایندگی می کند. و از سوی دیگر در کل جنبش اسلامی در منطقه و در اروپا هم می بینید که حجاب تبدیل شده به نماد و پرچم يك جنبش فوق ارتجاعی اسلامی که جمهوری اسلامی یکی از ارکان آن است. از این نقطه نظر مساله فقط به

کردن و نتایج کوچک و حقیری گرفتند. چرا ایشان دوباره به فکر دشمن خارجی افتاده است؟

حمید تقوایی: خامنه ای حتی خودش هم به این ادعا ها به این باور ندارد. این ها را میگویند چون توضیح دیگری ندارند. خامنه ای قبلا هم کل حرکتی که در دیماه شروع شد را کار آمریکا و اسرائیل و دشمنان و غیره قلمداد کرده بود. الان هم دارد بر همین طبل میکوبد. این نوع ادعاها آقدر نخ نما شده که حتی خود حکومتیها به آن باور ندارند. در همان آغاز این جنبش، وقتی خامنه ای از دشمنان خارجی صحبت کرد، در درون خود حکومت، حتی از جناح اصول گرا گفتند که اینطور نیست، مسائل واقعی داخلی وجود دارد و باید يك خاکی بسرمان بریزیم. کارگران هم با شعارهائی نظیر "هش میگو آمریکاست، دشمن ما همین جا است" جواب محکمی به این نوع ادعاها توخالی خامنه ای و طرفدارنش داده اند. منتها خامنه ای مثل هر دیکتاتور دیگری ناگزیر است حرکتیهای اعتراضی مردم را به دشمن خارجی نسبت بدهد. چاره دیگری دیگر ندارد. نمیتواند بگوید جامعه از این وضعیت ناراضی است و علیه حکومت بلند شده است. نمیتواند بگوید این شعارهای مرگ بر خامنه ای که روی دیوارها مینویسند از دل مردم بر میآید و خواست عمیق مردم اینست که حکومت اسلامی سرنگون بشود. تنها توجیهی که میماند اینست که این کار دشمنان خارجی است.

این نوع تبلیغات توخالی در حرکت مردم و در اعتراضات توده ای که شروع شده است کوچکترین تاثیری ندارد. حتی در صفوف خود حکومتیها این حرفها باعث بالا گرفتن درگیریها و نزاعهای داخلی میشود و صفوفشان را بیشتر درهم میریزد.

خلیل کیوان: چرا خامنه ای روز جهانی زن را انتخاب میکند و بمناسبت این روز علیه دختران انقلاب صحبت میکند؟

خلیل کیوان: خامنه ای در روز جهانی زن در رابطه با حجاب اجباری اظهار نظر کرده و نکاتی را مطرح کرده است. اولین نکته اینست که ادعا میکند حرکت دختران خیابان انقلاب علیه حجاب اجباری کوچک و حقیر است. نظر شما در این مورد چیست؟ اگر کوچک و حقیر است چرا دوباره اش حرف زده است؟

حمید تقوایی: خامنه ای در این اظهار نظر حقارت خودش را نشان میدهد. اینروزها بحث حجاب نه تنها برای خامنه ای خیلی مهم شده و او را به هراس انداخته است بلکه بقیه مقامات حکومت هم ناگزیر شده اند در این باره صحبت کنند. حجاب امروز به يك گفتمان و دغدغه در بین خود حکومتیها بدل شده است. حرکت دختران خیابان انقلاب همه اینها را بدست و پا انداخته است. نمیدانند چطور به این مساله برخورد بکنند. سیم خاردار دور سکوها کشیدند، بگیر و ببندها کردند، حکم زندان دادند ولی این حرکت همچنان ادامه دارد و رو به گسترش و تکثیر است.

در روز ۸ مارس و یکی دو روز قبل از آن ما شاهد نمونه های درخشانی از برداشتن حجابها بطور دستجمعی در شهرهای مختلف بودیم. حکومت کاملا در مقابل این حرکت بی آلترناتیو و بیچاره است و نمیداند چکار باید بکند. بجان هم افتاده اند و هذیان میگویند. چنان تحت فشار قرار گرفته اند که خامنه ای خودش را مجبور دیده که این خزعبلات را بهم بباذد. اتفاقا این نوع اظهار نظرها و این تکاپو و دست و پائی که حکومتی ها دارند میزنند نشان دهنده اهمیت حرکت دختران انقلاب هست و بس. حکومت در برابر این حرکت به بن بست رسیده و نمیداند چه بکند.

خلیل کیوان: خامنه ای در همین صحبتها ادعا میکند مخالفت با حجاب کار دشمنان خارجی است. میگوید دشمنان خارجی هزینه های سرسام آوری

نوشته میشود. هر روز پاک میکنند و هر روز دوباره نوشته میشود. اینها همه نشان میدهند که جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه حکومت عمیقاً و بطور گسترده ای دارد به پیش میرود. حرکت دختران انقلاب را باید یکی از ارکان این جنبش دانست.

خلیل کیوان: به اختلافات حکومتی ها در نحوه برخورد به حجاب اجباری اشاره کردید. خامنه ای هم در این مورد نکاتی را گفته از جمله اینکه آنچه او را حساس میکند طرح مسئله حجاب اجباری از طرف برخی از خواص است. میگوید برخی مدعی هستند خمینی مخالف حجاب اجباری بود در حالی که خمینی مثل کوه در برابر بی حجابی محکم ایستاد. چرا بعد از ۳۹ سال عده ای از درون حکومت می آیند و میگویند قوانین حجاب را باید قلمی سست تر بکنیم و حجاب نباید اجباری باشد؟ شما این را چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوائی: این بازتاب حرکت دختران انقلاب و کلا همین جنبش عظیمی هست که از دی ماه شروع شد. حکومت دارد به این جنبش عکس العمل نشان میدهد. این صحبتها نشان میدهد که چطور صفوف اینها بهم ریخته است. عده ای از حکومتها به این نتیجه رسیده اند که بهترست در مورد حجاب کمی کوتاه بیایند. اخیراً نماینده فراکسیون زنان در مجلس اسلامی گفته است که بعد از عید ما مسئله حجاب اجباری را مجدداً بررسی میکنیم. عده ای هم گفته اند خمینی معتقد به حجاب اجباری نبوده و غیره. در برابر اینهاست که خامنه ای میگوید خمینی مثل کوه ایستاده بود. البته خمینی مثل کوه ایستاده بود. در همان اولین ۸ مارس طرح مساله حجاب چنان جواب محکمی از زنان گرفت و چنان اعتراضات گسترده بود که تا شش سال بعد نتوانستند حجاب را قانوناً اجباری بکنند.

از بدو بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا امروز مبارزه زنان علیه حجاب و کلا قوانین ضد زن اسلامی ادامه داشته است. این جنبشی به قدمت عمر حکومت است. تلاش میکنند در برابر این حرکت "مثل کوه" بایستند بخاطر اینکه پاشنه

آشیل حکومت این است. بخاطر اینکه میدانند اگر در رابطه با حجاب کوتاه بیایند جامعه اینجا متوقف نخواهد شد و خواهان لغو کلیه قوانین زن ستیز اسلامی خواهد شد. زنان حق طلاق ندارند، حق حضانت از فرزند خود را ندارند، حق مسافرت، حق شرکت در بسیاری از ورزشها حتی بعنوان تماشاچی را ندارند و آنچه هم که حق دارند نیمه مرد محسوب میشوند. و مانند افراد صغیر حقشان منوط به اجازه مرد خانواده است.

حجاب سمبل تمام این بی حقوقیهاست. اگر جمهوری اسلامی در این مورد کوتاه بیاید به سرازیری سقوط افتاده است. جمهوری اسلامی با زنانی که بیحجاب در خیابانها ظاهر میشوند و حقوقشان را مطالبه میکنند و تن به قوانین اسلامی نمیدهند دیگر جمهوری اسلامی نیست. نمیتواند دوام پیدا کند. این را خامنه ای تشخیص میدهد و بهمین خاطر به خواص هشدار میدهد که باید در برابر بی حجابی بایستند. با این همه حکومت ناگزیر خواهد شد در این عرصه عقب بنشیند و مردم بی حجابی را به او تحمیل خواهند کرد. تا کنون نیز عملاً تا حد زیادی تحمیل کرده اند.

واقعیت اینست که نحوه مقابله با جنبش علیه حجاب برای حکومت یک بازی باخت باخت است. هم عقب نشینی در این عرصه و هم مقاومت در برابر جنبش بی حجابی حکومت را به سقوط نزدیک تر خواهد کرد. جمهوری اسلامی راه برون رفتی ندارد.

خلیل کیوان: خامنه ای در صحبتهایی که داشت مقداری هم اشک ریخت برای بیحقوقی زنان غربی. ایشان گفت که حجاب وسیله مصونیت زن است نه محدودیت در ایران. ادعا کرد موضوع حقوق زن در غرب ظاهری است و اشاراتی هم داشت به کمپین "من هم" و اینکه در غرب زنان زیادی مورد تعرض و سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند. نظر شما در مورد این ادعاها و مقایسه ها چیست؟

حمید تقوائی: بله زنان در غرب هم با سوء استفاده جنسی و کلا بیحقوقی های متعدد مواجه هستند ولی هر کس انتقادی به غرب

داشته باشد خامنه ای و جمهوری اسلامی چنین صلاحیتی ندارد. کارنامه این حکومت در زن ستیزی بسیار فظورتر و سیاه تر از دولتهای غربی است. میگویند حجاب مصونیت زن را تامین میکند در حالی که بر عکس حجاب بسته بندی زن بعنوان يك كالای جنسی است. تمام قوانین و كل فلسفه جمهوری اسلامی به زن بعنوان كالای جنسی نگاه میکنند. وقتی شما حق طلاق را از زن سلب میکنید و زن نمیتواند بدون اجازه شوهر طلاق بگیرد این یعنی تجاوز رسمی و قانونی به زنان. وقتی که ازدواج دختر بچه های ۹ ساله رسمی و قانونی است این یعنی تجاوز به کودکان. این یعنی پدوفیلیسم اسلامی. وقتی توضیح المسائل خمینی آداب لذتجویی جنسی از کودکان شیرخوار را توضیح میدهد این یعنی شرعی بودن شنیع ترین سوء استفاده جنسی، و وقتی قاری محبوب جناب خامنه ای که ششت رسوائی تجاوزش به شاگردان مدرسه قرآن از بامها افتاده با حمایت خامنه ای تیره میشود این یعنی تجاوز رسمی و عملی به کودکان با تأییدات رهبر. اگر در غرب سوء استفاده جنسی و بیحقوقی زنان وجود دارد و علیه اش مبارزه شکل گرفته است در جمهوری اسلامی سوء استفاده جنسی از زنان و کودکان و نقض ابتدائی ترین حقوق زنان در ابعادی بسیار گسترده تر و بطور شرعی و قانونی و رسمی صورت میگردد. صیغه چیزی نیست جز فحشای قانونی و علنی، نداشتن حق طلاق برای زنان چیزی نیست جز تجاوز رسمی به زنان، ازدواج دختر بچه ها چیزی نیست جز تجاوز به کودکان. اینها در جمهوری اسلامی قانونی و رسمی است و يك علت اصلی مبارزه زنان و مبارزه جامعه علیه جمهوری اسلامی همین است.

خلیل کیوان: دادستان تهران، جعفری دولت آبادی، روز ۱۵ اسفند اعلام کرد که برای یکی از این دختران خیابان انقلاب حکم دو سال حبس صادر شده که ۲۱ ماهش تعلیقی است. از شما میپرسم چرا اعلام نمیکنند چه کسی این حکم را گرفته؟ از يك طرف اعلام میکنند که این مسئله حقیرست و تأثیری نداشته و تبلیغات بیگانه بوده است و

از طرف دیگر بازداشت و محاکمه میکنند. این تناقض را شما چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوائی: اینها ظاهراً خواسته اند ضرب شست نشان بدهند ولی این گستاخی بسرعت به عکس خودش تبدیل خواهد شد و به غلط کردن خواهند افتاد. حتی در همین ضرب شست نشان دادن هم ترس و هراسشان را میبینید. اسم کسی که محکوم شده است را نمی برند و بعد دو سال حبس میدهند و ۲۱ ماهش را تعلیق میکنند. این نشان میدهد هم میخواهند قدرتمائی کنند و هم میترسند که این موج برگردد بطرف خودشان و این اتفاق هم خواهد افتاد. بنظر من این تلاش حکومتی ها بجائی نمیرسد و همانطور که قبلاً هم گفتم جامعه از مرز ترس و ارعاب رد شده است. بعد از همه این بگیر و ببندها ما شاهد این هستیم که دختران با شهادت و شجاعت تمام در مترو تهران حجاب بر میدارند و سرود برابری میخوانند و کلیش را پخش میکنند. این بازداشتها و محاکمه ها به جائی نمیرسد و من فکر میکنم جواب و تودهنی محکمی بخاطر همین حکمی که داده اند خواهند خورد.

خلیل کیوان: عده ای میگویند تمرکز بر مبارزه علیه حجاب اجباری و مسئله حجاب زنان نادرست است. مسئله جامعه ایران حجاب اجباری نیست بلکه مسئله اصلی فقر است. در دیدگاه و سیاست شما مسئله حجاب اجباری و زن و مذهب برجسته است. جایگاه مسئله مبارزه علیه فقر را شما چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوائی: مسئله بر سر الاهی فی الاهی کردن این مسائل نیست. مبارزه بر علیه فقر یکی از اساسی ترین مبارزات است که در جامعه ایران دارد پیش میرود. خیزش دیمبا با شعار مردم بر علیه بیکاری، گرانی و علیه فقر شروع شد و امروز هم جنبش کارگری بطور گسترده ای برای افزایش دستمزدها در واقع علیه فقر و فلاکت دارد مبارزه میکند و این عرصه مهمی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی است.

از طرف دیگر میبینیم که مسئله حجاب چه جایگاهی در

مبارزات مردم پیدا کرده و بخصوص با قدم بیدان گذاشتن دختران خیابان انقلاب تبدیل شده است به یکی از مسائل حاد و مهم سیاسی در جامعه و یکی از عرصه های مهم اعتراض. بنابراین ما این نوع جدول بندی مسائل مبنی بر اینکه این مهمترین است یا آن را اصلاً نمیپذیریم. در همه عرصه ها مبارزه مهم است و باید با تمام قوا در آنها دخیل شد، از مبارزات حمایت کرد و آنها را به پیش برد. مساله بر سر ویژگیهای مبارزه علیه مذهب و علیه بیحقوقی زن است. اینها مسائل هویتی برای جمهوری اسلامی هستند کما اینکه میبینیم امروز خامنه ای مجبور شده زیر این فشارها یکبار دیگر بگوید ما پای حجاب ایستاده ایم و کوتاه نمی آیم. ولی در قبال مساله فقر و فلاکت هیچ مقام حکومتی علناً و رسماً از آن دفاع نمیکند. حکومت نه میتواند مساله فقر را حل کند و یا حتی تخفیف بدهد و نه از مذهب دست بکشد. اما تفاوت اینجاست که در لفظ و ادعا و تبلیغات سیاسی پای مذهب و حجاب و بیحقوقی زن رسماً و علناً ایستاده است در حالی که در رابطه با فقر و فلاکت چنین ادعائی ندارد و نمیتواند داشته باشد. به این خاطر است که ما همیشه بر مسئله زن و مسئله مذهب بعنوان دو عرصه مهم به چالش کشیدن جمهوری اسلامی تاکید کرده ایم و اینرا خیلی از نیروها نمی بینند. این به این معنای تحت الشعاع قرار دادن مبارزه علیه فقر نیست بلکه تشخیص مسائل هویتی حکومت و اهمیت مبارزه بر سر این مسائل است. ما به ویژگی مبارزه علیه مذهب و بیحقوقی زن تاکید میکنیم و نه بر برتری آن نسبت به مبارزه علیه فقر و یا دیگر عرصه های مبارزه. يك فعال سیاسی که دستی در کار دارد و میخواهد واقعا جمهوری اسلامی را بزیر بکشد و سرنگون کند باید در تمام این عرصه ها فعال باشد و مبارزه را تقویت کند و به پیش برود.

با تشکر از آذر پویا برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه. ح.ت.

سوئد: در باره ممنوعیت فعالیت مدارس مذهبی

یک موفقیت دیگر برای جنبش ما!

حسن صالحی



و قطعنامه به مناسبت‌های مختلف در جامعه سوئد بارها اعلام داشته اند.

در پی یک مبارزه وسیع و گسترده در دفاع از ارزشهای سکولار و علیه عواقب بسیار زیانبار نفوذ مذهب در محیط‌های اسلامی که کمیونست‌های کارگری از دهه ۹۰ میلادی در سوئد پرچمدارشان بودند اکنون ما به اینجا رسیده ایم که حزب سوسیال دمکرات از توقف مدارس مذهبی حرف می‌زند. این موفقیت آسان بدست نیامده است. دهها جلسه و کنفرانس در این مورد برگزار شده است. مقالات متعددی در این خصوص به منظور آگاه سازی عموم به رشته تحریر در آمده است. اعتراض ها صورت گرفته و تظاهرات ها برگزار شده است. و شماری از فعالین این جنبش رادیکال حتی با تهدیدات جریانات مرتجع مذهبی و اسلامی روبرو بوده اند و بی وقته برای تحقق این هدف تلاش کرده اند.

اولین ابراز وجود علنی این جریان در سوئد به اعتراضی بر می‌گردد که از سوی اسرین محمدی در صحن مجلس به سکوت سیاستمداران این کشور در قبال قتل های ناموسی انجام گرفت. سخنان تکان دهنده اسرین محمدی، دختر جوانی، که از وضعیت دختران و کودکان در محیط های اسلام زده و پدرسالار حرف زد چنان به دل جامعه نشست که سیاستمداران سوئد اعلام کردند که "گوش ما را باز کرد". سپس تعدادی از کادرهای حزب کمیونست کارگری پلاتفرمی را در دفاع از زنان و کودکان در محیط های اسلامی در سالهای آخر ۹۰ به زبان سوئدی و فارسی منتشر کردند. برخی از موضوعات این پلاتفرم ممنوعیت مدارس مذهبی، ممنوعیت حجاب کودکان و

چه سرانجامی منتهی شود نفس اینکه بزرگترین حزب سیاسی سوئد از توقف فعالیت‌های مدارس مذهبی حرف می‌زند و آنرا به یکی از گفتمان های اصلی انتخابات تبدیل کرده است یک موفقیت برای سکولاریسم و جنبش ضد مذهبی است. موفقیت برای کسانی که سالهالی زیادی برای ممنوعیت مدارس مذهبی در سوئد جنگیده اند. دلایلی که برای رد مدارس مذهبی از زبان وزرای دولت اعلام می‌شود همان استدلالاتی است که کمیونست‌های کارگری، چپ‌های مترقی و سکولاریست ها از دو دهه قبل در دهها نامه سرگشاده و بیانیه

دمکراتها با استانداردهای مدارس سوئد که باید محلی برای کسب دانش و ارزش های برابر باشد همخوانی ندارد.

آنچه که سوسیال دمکرات‌های در پی آن هستند این است که مذهب در تدریس و آموزش و پرورش جایی نداشته باشد و در طول اقامت دانش آموز در مدارس چه در مراسم صبحگاهی و یا موارد دیگر اثری از مذهب وجود نداشته بشد. جالب است که طبق یک نظرسنجی صورت گرفته در سوئد از هر چهار نفر سه تن خواهان ممنوعیت مدارس مذهبی هستند.

صرفنظر از اینکه این بحثها به

در کنفرانس خبری در این باره گفته است: "در مدارس سوئد معلمان باید قدرت داشته باشند نه امام ها و کشیش ها". انا اکستروم، وزیر دبیرستانها و ارتقا دانش به رادیو سوئد گفته است: "برای ما خیلی مهم است که اجازه ندهیم، دانش آموزان در مدارس سوئد، در هیچ شرایطی تحت تاثیر مذهب قرار گیرند."

به گفته اردلان شکر آبی وزیر امور مدنی، در سال های اخیر فعالیت‌های مذهبی در سوئد باعث رشد تبعیض، نابرابری و جداسازی بیشتر در جامعه شده است. موضوعی که به گفته سوسیال

روز سه شنبه ۱۲ مارس ۲۰۱۸ حزب سوسیال دمکرات سوئد در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی از زبان دو وزیر دولت ائتلافی اش اعلام داشت که از نظر این حزب فعالیت مدارس مذهبی خصوصی باید متوقف شود. چند سالی است که در این حزب بحث در باره این مسئله بالا گرفته بود و اکنون حزب سوسیال دمکرات سوئد اعلام می‌دارد که بحث توقف فعالیت‌های مدارس مذهبی یکی از موضوعات مهم در مباحث انتخاباتی پیش رو خواهد بود.

اردلان شکرآبی، وزیر امور مدنی از حزب سوسیال دمکرات،



ممنوعیت هرگونه تخفیف با هرتوجهی در مجازات کسانی بود که به اذیت و آزار و قتل زنان دست میزنند. این امر باعث شد که تئوری های نسبیت فرهنگی که همه خرافات و ارتجاع مذهبی را تحت عنوان "فرهنگ خودی" تقدیس می کرد در منگنه فشار و تعرض سیاسی جنبش ما قرار گیرد.

نمونه دیگری از موفقیت جنبش ما در سوئد شکست طرح دولت وقت سوئد برای آموزش "امامان مساجد" در این کشور در سال ۲۰۰۹ بود. در آن زمان ما اعلام کردیم که نمی شود از یکطرف زیر بغل اسلامی ها را گرفت، به آنها اعتبار بخشید، امکانات دولتی را در اختیارشان گذاشت و بعد هم دم از مبارزه با "تندگرای اسلامی" زد. ما گفتیم این ادعا که می توان با آموزش امامان با "تندگرای اسلامی" مقابله کرد نه فقط دلایل واقعی عروج جریانات اسلامی در غرب را قلب می کند، بلکه پوششی است برای مماشات و سازش بیشتر با آنها! بحث اصولا بر سر این نیست که گویا ملاهای ساکن اروپا به زبان و فرهنگ کشوری که زندگی می کنند مسلط نیستند و یا با ارزشها و نرم های جوامع غربی آشنایی ندارند. مسئله بر سر این است که این جماعت هر چه که باشند و هر جا که باشند از ارزشهایی دفاع می کنند که ناقض حقوق انسانی است. ما گفتیم که دولت، بویژه دولتی که ادعای سکولار بودن دارد مجاز نیست که امکانات دولتی را در اختیار آنها قرار دهد. اصل جدایی مذهب از دولت که از موازین يك جامعه سکولار بحساب می یابد يك اصل خدشه ناپذیر است که در همه سطوح باید به اجرا گذاشته شود. فعالین حزب ما حتی اسنادی از خطبه ها و آموزش های امام جمعه های مرتجع تهیه کردند و در سطح جامعه منعکس کردند.

در زمینه مدارس مذهبی در یکی از آخرین بیانیه هایی که به ابتکار ما منتشر شد و به امضای شمار زیادی از شخصیت های سونلی و ایرانی رسید، ما نسبت به خبر منتشر شده مبنی بر جداسازی دختران و پسران دانش آموز در اتوبوس يك مدرسه مذهبی یکبار دیگر به صراحت خواهان ممنوعیت

مدارس مذهبی شدیم. ما اعلام کردیم که مدرسه مکانی برای کسب علم و دانش است. مدرسه مکانی برای رشد فکری و جسمی کودکان بر مبنای دستاوردهای علمی، فرهنگی و مترقی بشری است. ما گفتیم که در مدارس مذهبی از تربیت آزاد و مستقل کودک با يك روح انتقادی جلوگیری می شود. در مدارس مذهبی با ارائه برداشت های تعصب آمیز، غیر مدرن و سرکوبگرانه مذهبی از رشد نرمال کودکان جلوگیری بعمل می آید. در مدارس مذهبی، تقسیم بندی های مذهبی، فرهنگی، و یا قومی و ملی و جنسیتی، هویت جهانشمول انسانی را نقض می کند.

در سال ۲۰۱۲ بدنبال افشا شدن فعالیت زن ستیزانه و ارتجاعی امامان مساجد در سوئد در برنامه تلویزیونی "ماموریت بررسی" ما در يك بیانیه مفصل خواستار آن شدیم که هرگونه باج دهی و امیتاز دادن دولت و کمونها به جریانات اسلامی باید متوقف شود. ما گفتیم این امامان نماینده مردم منتسب به مسلمان نیستند. همکیشان اینها در ایران و عراق و افغانستان و عربستان مشغول سرکوب و کشتار مردم هستند و اکثر قریب به اتفاق مهاجرین از کشورهای اسلام زده از دست امثال همین امامان فرار کرده اند. بخش بزرگی از ساکنان سوئد که پیشینه خارجی دارند سکولار هستند. به علاوه، اکثر آنهايي هم که مسلمانند با این نمایندگان خودکاره مخالفند.

در پاییز سال ۲۰۱۲ اعتراضات ما به درخواست پخش اذان مسجلی در محله فیتیا واقع در کمون بوت شیرکا در جنوب استکهلم اگر چه نتوانست جلوی این مسئله را بگیرد ولی باعث شد که کمونهای دیگر به درخواستهای متعددی که از سوی اسلامی ها برای پخش اذان داده بودند، پاسخ مثبت ندهند. ما گفتیم که اعتقادات مذهبی افراد امری در حیطه خصوصی است و نباید با جار زدن از طریق پخش اذان به دیگران تحمیل شود و آسایش دیگران را بر هم زند.

یکی دیگر از بندهای پلاتفرم ما در دفاع از کودکان و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی نیز چهار سال قبل

به تصویب دولت سوئد رسید. در سال ۲۰۱۴ در اثر تلاشهای زیاد، قوانینی در سوئد مبنی بر ممنوعیت ازدواج کودکان و ازدواج اجباری و جنایی کردن این موارد به تصویب رسید. به موجب این قوانین ازدواج های غیررسمی کودکان که جنبه قانونی ندارند، اما در عمل به مثابه ازدواج تلقی می شوند ممنوع شد و هرگونه استشنا یا امکان بخشودگی برای ازدواج کودکان در قانون حذف گردید. همچنین برای کسانی که فرزندان خود را مجبوریه ازدواج می کنند حداقل چهار سال زندان در نظر گرفته شد که اولین حکم قضایی در این مورد در سال ۲۰۱۶ صادر شد. این قوانین اگر چه ناقص و علیرغم گستردگی اجبار در ازدواج و ازدواج کودکان کمتر به مورد اجرا گذاشته شده اند و از این نظر مورد انتقاد فعالین اجتماعی بوده اند ولی بهر حال گامی رو به جلو و يك موفقیت بوده است.

اینها گوشه های از نبردهای جریان چپ و سکولار و کمونیست های کارگری در سوئد در دفاع از موازین سکولار و ارزشهای جهانشمول انسان بود که اکنون بیش از پیش شمره آن را می بینیم. دولت سوئد بتدریج و گام به گام در مقابل مبارزات بخش چپ جامعه و مشخصا پلاتفرمی که ما سالها برای آن تلاش کردیم عقب نشسته است اما در این دو سه دهه مماشات کودکان هزینه زیادی دادند، هزاران کودک تحت آموزش های امام جمعه ها و جریانات کثیف اسلامی قرار گرفتند و جسم و روحشان آسیب زیادی دید. اگر اینهمه مماشات صورت نگرفته بود قطعا جریاناتی مثل داعش اینهمه نیرو از این کشور نمیگرفتند و چه بسا ترورهای اسلامی ها در استکهلم و ... صورت نمیگرفت و جامعه سوئد امروز جامعه امن تری بود.

از همان آغاز هدف ما این بود که در شرایطی که در غرب رویکرد تازه ای مبنی بر تعامل با اسلام سیاسی وجود داشت، هر چه بیشتر و تعرضی تر به صحنه وارد شویم و علیه دخالت مذهب و اسلام در زندگی مردم و سازش و مماشات دولتهای غربی با اسلام سیاسی عمل کنیم تاثیر فعالیتهای انسانی جنبش ما در دفاع از حقوق انسانی

زنان و کودکان در محیط های اسلامی و پدرسالار غیر قابل انکار است. ما امروز شاهد عمیق تر شدن و قطبی شدن این مبارزه هستیم. گوش های بیشتری به روی حرفهای ما باز شده است. سنگرهایی که ما در این مبارزه بدست آورده ایم غیر قابل برگشتند. ما از همان آغاز می دانستیم که امر به شکست کشاندن ارتجاع اسلام سیاسی در همه جا بر دوش نیروهای مترقی و پیشرو قرار دارد و تجربه سوئد نشان می دهد که ما به قدرت اعتراض و مبارزه مان می توانیم پیشرویهای زیادی در این راه کسب کنیم

از نظر ما کمونیستهای کارگری مذهب جریانی است که فی نفسه تبعیض آمیز خرافی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان است و از این رو نباید هیچ نقشی در موازین سیاسی و اداری جامعه داشته باشد. ما پیش از این به همت تلاشهای درخشان هما ارجمند موفق شدیم ممنوعیت دادگاههای مذهبی در استان اونتاریو کانادا را به کرسی بنشانیم و به همت تلاشهای چهره های سرشناسی همچون مریم نمازی، مینا احدی و شیوا محبوبی در کشورهای مختلف، اسلام سیاسی و سازش دولتهای غربی با این جنبش سیاه را به چالش بکشانیم. ما هر گونه موفقیتی در این نبرد را به پشتوانه نیرومندی علیه دست اندازی مذهب به جان و زندگی مردم در جوامع غربی تبذیل کرده و خواهیم کرد.

مبارزه ما اما پایان نگرفته است. برای ممنوعیت مدارس مذهبی هنوز اما و اگرهای زیادی مطرح می شود و یکی از خواستهای مهم جنبش ما یعنی لغو حجاب کودکان و همچنین برخی خواسته های مهم دیگر هنوز در دستور کار قرار دارد. ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان، سوسیالیست ها، مدافعین حقوق کودک، مدافعین حقوق زن، طرفداران برابری و رفع تبعیض و مخالفان راسیسم را فرامیخوانیم که در دفاع از ارزشهای انسانی، در دفاع از موازین سکولار خواهان ممنوعیت بی قید و شرط مدارس مذهبی، ممنوعیت حجاب کودکان، ممنوعیت ختنه کودکان، ممنوعیت جلب کودکان به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی، ممنوعیت هر گونه محدودیت برای کودکان در محیط های اسلامی در زمینه ورزش، گردش علمی، موسیقی، شنا و غیره در تمام مدارس و مهد کودک ها و ... شوند

و این مبارزه را تا آخر ادامه دهند. در آخر می خواهیم صمیمانه از همه کسانی که در این مبارزه نقش ایفا کردند تقدیر کنم. زنده باد پروین کابلی، مهین علیپور، خلیل کیوان، سارا محمد، سلیمان قاسمیان، کریم شاه محمدی، افسانه وحدت، هاله رافع، فریده آرمان، آمینه کاکه باوا، ماریا رشیدی، لیلا قرائی، دوین رکسوید و ... و فعالین بسیار دیگری که در این مبارزه سهیم بودند و آنرا همراهی کردند.

حجاب تحمیلی و هر گونه جداسازی جنسیتی باید فوراً ملغی شود و آزادی پوشش برقرار گردد. کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان باید فوراً لغو شود و حقوق برابر زن و مرد در همه زمینه ها اعلام شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

سایت حزب:

www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

جنبش باشیم و بدانیم که این حرکت شجاعانه، تابوشکن و سکولار دختران خیابان انقلاب تا چه حد جنبش برای رهایی زن نه تنها در ایران بلکه در سطح منطقه و جهان را به جلو میبرد.

این حرکت می‌گوید که حقوق زنان جهانشمول است و حمایت جهانی می‌طلبد. اگر ما در ایران موفق شویم که می‌شویم ما سر بزرگ‌ترین اژدهای آپارتاید جنسی را زده ایم. امروز زنان در ایران حتی اجازه نیافتند که یکدقیقه جمع شوند و روز زن را برگزار کنند. بشدت سرکوب و دستگیر شدند. شعار آنها اعتراض به هر نوع تبعیض زنان و تبعیض جنسیتی بود.

پس با هم فریاد می‌کنیم؛ زنده باد دختران خیابان انقلاب در ایران دختران دستگیر شده آزاد باید گردند

زنده باد همبستگی جهانی جنبش زنان زنده باد آزادی برابری

سخنرانی مهین علیپور در روز جهانی زن هشت مارس در استکهلم



بنام دختران خیابان انقلاب

امروز ۸ مارس سال ۲۰۱۸ برای ما است ولی چهل سال است در ایران هر روز، روز زن و ۸ مارس است.

بعد از آمدن بزرگترین آپارتاید جنسی در دنیا زنان هر روزه به تقابل این ستمگر و قوانین ضد زنش می‌روند.

بزرگترین اعتراض زنان بعد از اجباری کردن حجاب توسط خمینی بود که در ۸ مارس ۷۹ صورت گرفت. بعد از آن هر روز برای زنان ایرانی ۸ مارس شد. ۴۰ سال است که در ایران با آمدن جمهوری اسلامی حجاب اجباری شده است. و دنبال آن بیحقوقیهای بسیاری چون

نداشتن حق طلاق، اجازه کار، حق سفر، حق حضانت کودکان بعد از طلاق و بیحقوقیهای دیگر بزنان بطور قانونی تحمیل شده است. این حجاب پرچم این آپارتاید جنسی بوده که زنان اکنون در ایران بر سر چوب زده و در هوا میچرخانند و میگویند ما این را نمیخواهیم و صاحب این پرچم را هم نمیخواهیم. این حرکت اولین بار توسط ویدا موحد صورت گرفت که بعد از آن زنان دیگری آن را کپی برداری کرده اند.

این دختران بنام دختران خیابان انقلاب و یا دختران انقلاب نامیده می‌شوند. این دختران با برداشتن حجابهایشان مهر خود را به هشت مارس امسال زده و نوید انقلابی زنانه در ایران را داده اند. خصوصا این اتفاق در متن خیزش انقلابی

مردم که در دیماه آغاز شد، به اعتراض مردم علیه حکومت آپارتاید جنسی در ایران عمق بخشید و به نقطه عطفی تبدیل شد.

جنبش زنان در ایران کابوس جمهوری اسلامی است و لرزه به پیکر این آپارتاید جنسی فکنده است. رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا خود را برای سرکوب این جنبش آماده کرده و تاکنون بیش از ۳۰ تن از این دختران را دستگیر کرده است. در دفاع از مبارزات مردم ایران علیه این بساط سرکوب و جنایتش، وسیعا از دختران انقلاب حمایت کنیم و خواستار آزادی دختران دستگیر شده، شویم.

دختران با این حرکت که جرم شناخته می‌شود در ایران روسریها را در آورده و سر چوب زده و در هوا میچرخانند.

آنها به این رژیم میگویند که از ورزش باد در موهای من و نور خورشید در آن نترسید بلکه از آن بترسید که این حرکت پایه های حکومت شما را سست کرده و می‌رود که به ارتجاع مذهبی و قوانین زن ستیز خاتمه دهد. این حرکت شعله ور شده و نه تنها ریشه شما را در ایران بلکه در هر جا که اسلام سیاسی نفس بکشد خواهد سوزاند.

این حرکت به یک حرکت جهانی تبدیل خواهد شد جا دارد که آزادیخواهان و برابری طلبان هم در این روز دفاع از این حرکت در آیند. وما هم تلاش داریم صدای دختران انقلاب و مردم ایران باشیم. صدای مردمی باشیم که میگویند جمهوری اسلامی نمیخواهیم. نمیخواهیم. از همین روز سعی میکنیم معرف این

پیرامون صدور کیفرخواست برای صدها نفر از دستگیر شدگان اعتراضات دیماه

محمد شکوهی



برای نزدیک به ۳۰۰ نفر از دستگیر شدگان اعتراضات دیماه کیفرخواست صادر شده است. از سرنوشت بیش از ۴ هزار نفر از دستگیر شدگان هم هنوز خبری در دست نیست. مبارزه برای آزادی همه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی با قدرت ادامه دارد.

جعفری دولت‌آبادی دادستان حکومت در تهران از صولر ۱۹۵ فقره کیفرخواست برای دستگیرشدگان دی ماه و معترضان خیابان پاسداران خبر داد. این جناب گفته: از این تعداد احکام، ۱۷۵ فقره کیفرخواست علیه دستگیر شدگان اعتراضات دیماه می باشد که تا کنون ۲۱ فقره دادنامه صادر شده که

مجبور کرده فعلا در برخورد به موضوع دستگیر شدگان "محتاط" شده و بی گذار به آب نزنند.

مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان و همه زندانیان سیاسی یک مبارزه جاری و بخشا اجتماعی بر علیه حکومت می باشد. در این مبارزه مردم و حکومت در برابر هم صف آرایی کرده اند. مردم جسورتر و پر مدعتر، حکومت در موقعیت ضعیف و شکننده قرار دارد. در یک چنین وضعیتی گسترش مبارزات سراسری مردم برای آزادی دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی، یک محور مهم مبارزه مردم بر علیه حکومت می باشد. باید این مبارزه را هر چه گسترده تر، سراسری تر و سازمانیافته به پیش برد. همه دستگیر شدگان اعتراضات دیماه و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد گردند. مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی را گسترش بدهیم!

باشد. این اعتراضات فشار سنگینی به حکومت وارد کرده و حکومت را وادار کرده است با "احتیاط" فعلا به این موضوع برخورد نماید.

تقلاها و تلاش های حکومت برای صدور احکام محکومیت برای دستگیرشدگان تا همینجا در اثر دو فاکتور اشاره شده خنثی شده است. اما این به این معنا نیست که حکومت در صد راه اندازی محاکمات دستگیرشدگان نیست. فضا و جو اعتراضی علیه حکومت در جامعه بالاست. حکومت از بازگشت دوباره اعتراضات ضد رژیم نگران بوده و ترس و وحشت دارد. بالای حکومت بشدت در هم ریخته و سردرگم می باشد. سران حکومت از خطر سرنوشتی نظام در جامعه صحبت میکنند. این اوضاع حکومت آدمکشان اسلامی را

موضوع اذیت و آزار و شکنجه های وحشیانه و "خودکشی دادن" دستگیرشدگان توسط حکومت در زندانها ادامه دارد و تاکنون نزدیک به ۱۰ نفر به اعتراف باندهای مختلف حکومتی در زندانها "خودکشی" کرده اند.

دادستان تهران؛ قوه قضائیه و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم در تلاش هستند که احکام دستگیر شدگان اعتراضات دیماه را اجرایی کنند. اینکه تاکنون حکومت موفق نشده و نتوانسته براحستی دستگیرشدگان را محاکمه و برای آنها حکم صادر نماید وجود فضا و جو اعتراضی موجود در جامعه علیه حکومت و بویژه مبارزات بازماندگان و خانواده های دستگیر شدگان تجمعات اعتراضی مختلف در مقابل زندانهای حکومت می

۱۶ فقره از دادنامه ها متضمن محکومیت به حبس است و در ۳ فقره دادنامه ها جزای نقدی تعیین شده و ۲ فقره هم حکم برائت صادر شده است.

در اوایل بهمن ما نیز دادستان تهران خبر از صدور ۱۰۰ مورد کیفرخواست با "درصد بالای جرایم" برای دستگیر شدگان اعتراضات دیماه داده بود. بدین ترتیب به اعتراف دادستان تهران تا کنون نزدیک به ۳۰۰ حکم برای دستگیرشدگان اعتراضات صادر شده است. لازم به توضیح است که مقامات مختلف رژیم از دستگیری بیش از ۴ هزار نفر در جریان اعتراضات دیماه خبر داده بودند. از سرنوشت هزاران نفری که دستگیر شده اند خبری در دست نیست همزمان با صدور این احکام

هشتم مارس سال ۲۰۱۸ در ایران از بسیاری جهات ویژه بود. یکی از ویژه‌گیهایش عروج دختران خیابان انقلاب بود.

محمد آسنگران



برابری طلبانه زنان به جایی رسیده است که نمیتواند از همه موانع و قوانین اسلامی و سنت‌های مردسالارانه عبور نکند. در پس تحولات فکری و فرهنگی چند دهه گذشته جنبشی عروج کرده است که میتواند و باید با به آتش کشیدن حجاب به عنوان سبب جنبش اسلام سیاسی يك قدم بزرگ دیگر به جلو بردارد. چهارشنبه سوری امسال میتواند روزی باشد که وسیعاً حجابها را به آتش بکشیم و حجاب سوزان سازمان بدهیم.

زنده باد جنبش آزادی زن
زنده باد دختران خیابان انقلاب
پیش بسوی حجاب سوزان

Yahsat

کانال جدید

KANAL JADID

| | |
|-------------|-------|
| فرکانس | ۱۲۵۹۴ |
| پلاریزاسیون | عمودی |
| سیبل ریت | ۲۷۰۰ |
| اف ای سی | ۲/۳ |

مذهب در ایران از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش باید کاملاً جدا شود.

آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد در ایران باید تضمین شود.



و کشتار انقلابیون چپ و آزادیخواه جنبش آزادی زن ناچار به عقب نشینی شد. متفکرین و سخنگویان جنبش ملی اسلامی در پوشش آخوند و فمینیسم اسلامی و اصلاح طلب و اصولگرا و... به توجیه سرکوب نیروهای سرکوبگر پرداختند. اما جنبش آزادی زن که در دوران سرکوبهای خونین و نسل کشی اسلامی کمرش خم شده بود بعد از جنگ هشت ساله دوباره آهسته و پیوسته قد راست کرد و مقاومت و مبارزه را قدم به قدم سازمان داد و پیشروی کرد. تا جایی که اکنون با شجاعت کم نظیری حجاب برمیدارد و در مترو با خواندن سرود برابری به جامعه نهیب میزنند که زنان به افتخار خودشان و مقاومتشان درود بفرستند و کف بزنند.

هنگامیکه علم الهدی امام جمعه مشهد میگوید: "برنامه اخیر برج میلاد نشان داد الگوی جامعه حضرت زهرا نیست بلکه «سوفیا لورن» است"، دارد شکست حکومت اسلامی را اعلام میکنند. بله این آخوند مرتجع خوب متوجه شده است مردم و زنان ایران لااقل از بعد از انقلاب مشروطه هیچ وقت الگویش زنان مرتجع اسلامی نبوده است. آخوندهای کپک زده انگار تازه متوجه میشوند که الگوی زن مدرن و برابری طلب نمیتواند يك مرتجع اسلامی باشد.

مرتجعین اسلامی و آخوندهای از گور برخاسته باید بدانند جنبش

حال میتوان بهتر قضاوت کرد آیا این زنان شجاع و حق طلب حقیرند یا خامنه ای و حکومتش؟ باید به این گله آخوند گفت شما حقیرید که با دزدی و فساد و کشتار و سرکوب بر قدرت تکیه زده اید، نه مردم حق طلبی که حقوق پایمال شده خود را میخواهند.

با این حال روشن است که حکومت اسلامی یاری مقاومت و خفه کردن این جنبش را ندارد. زنان ایران سالها است که قوانین اسلامی را یکی بعد از دیگری اعتبار کرده و زیر پا انداخته اند. آنچه امروز در قامتی بزرگتر و عرباتر از قبل دیده میشود فقط نوك كوه بخی است که در دریای جمعیت میلیونی عاصی از حکومت اسلامی در حرکت است.

با نگاهی به اعتراضات زنان برابری طلب در روز جهانی زن در ایران متوجه میشویم که امسال در ادامه جنبش سرنگونی طلبانه دی ماه علیه فقر با نقش محوری جنبش کارگری جنبش عظیم دیگری هم عروج کرد به اسم جنبش آزادی و رهایی زن. جنبش آزادی زن در ایران و در کشورهای اسلام زده بدون مقابله با قوانین و سنتهای اسلامی نمیتواند قدم از قدم بردارد. زنان ایران و همه انسانهای برابری طلب همین کار را کردند. اولین بروز اعتراض زنان در ایران علیه حجاب اجباری و اسلامی بعد از قدرت گیری خمینی از همان سال ۵۷ و ۵۸ آغاز شد. بنابر این مردم آزادیخواه ایران از روز اول قدرتگیری جمهوری اسلامی مقاومت و اعتراضشان در مقابل سنتها و قوانین اسلامی شروع شد. اما رژیم اسلامی در قدم اول با حمله به زنان برابری طلب شکست انقلاب مردم و تسلط جریانات اسلامی را رقم زد.

به دلیل تسلط فرهنگ و سیاست جنبش ملی اسلامی که آن زمان قدرت سیاسی را هم قبضه کرده بود زنان هم همانند بقیه مخالفین حکومت اسلامی با کشتار و سرکوب و نسل کشی مواجه شدند. در دل شکست انقلاب

کشیدنهای نرینه های اسلامی را بارها دیده و شنیده اند و آنها را به سخره گرفته اند. این نعره های اخیر گله آخوند اما تنها تکرار گذشته نیست. اینبار زیر پای حکومت اسلامی داغ شده است. جمهوری اسلامی سرنوشت عقربری را پیدا کرده است که در وسط دایره آتش گیر افتاده و راهی بجز نیش زدن از جمله نیش زدن به خود و اطرافیانش پیش رو ندارد. اما این تقلاهای دم مرگ است و راه نجاتی ندارند.

طبق اخبار رسیده "يك خانم مسن در میان بازداشت شدگان مقابل وزارت کار بود که عصا به دست داشت. داخل بازداشتگاه روسری اش را درآورد و بر سر عصایش بست و عصا را بالا گرفت و همهی بازداشت شدگان برایش دست زدند..." همین يك نمونه کافی است تا بگویم جنبش برابری طلبانه زنان ایران در کنار جنبش عظیم کارگری که همزمان و دوش به دوش هم قدرتمندی میکنند و حق خواهی جامعه را فریاد میکشند زیر پای رژیم اسلامی را داغ کرده اند. زنان حتی در بازداشتگاه هم حجاب را سر چوب میکنند این حقارتی است که به رژیم اسلامی تحمیل کرده اند.

هنگامیکه دختران جوان در متروی تهران سرود برابری میخوانند و در مقابل وزارت کار هم تعداد بسیار بیشتری حضور پیدا میکنند تا روز جهانی زن را گرامی بدارند رعه مرگ بر تن رژیم اسلامی میاندازند. در کردستان و شمال و جنوب و شرق و غرب ایران و در اقصا نقاط کشور روز جهانی زن برجسته تر از همیشه خودنمایی کرد. در خارج کشور احزاب و جریانات و شخصیتهای سیاسی و مدافع حقوق انسانی زن افکار عمومی جهان را از وجود این جنبش عظیم در ایران مطلع کردند و با حمایت خود از جنبش برابری طلبانه زنان در روز هشتم مارس با صدای رسا اعلام کردند قوانین اسلامی و حکومت اسلامی دون شان بشر است و باید گورش را کم کند.

حجاب سوزان در راه است

اگر کسی از هر شهروند ایرانی سوال کند هشتم مارس امسال چه ویژگی خاصی داشت؟ بدون شك پاسخ روشن اکثریت مردم ایران این خواهد بود که زنان وسیعاً گفتند حجاب اجباری نمیخواهیم. مبارزه و اعتراض علیه حجاب و اجبار پوشش اسلامی اوج گرفت و کلا حجاب و مدافعین آن مورد تعرض قرار گرفتند و کل حامیان این طوق اسلامی نه تنها زیر سوال بلکه حکومت و قوانین مدافع حجاب به چالش طلبیده شدند.

اما استارت این حرکت را قبل از هشتم مارس (روز جهانی زن) دختران خیابان انقلاب زده بودند و حجاب بر سر چوب کردند. قبلتر هم تئوریهها و نظریه های اسلامی، مردسالارانه، سنتی و محافظه کارانه و... که میگفت حجاب مهم نیست و مانع گسترش این جنبش بود، نقد و بی اعتبار اعلام شده بودند.

هشتم مارس امسال بیش از همیشه يك جنبش را برجسته کرد و آن جنبش برابری طلبانه زنان علیه حجاب و قوانین زن ستیز اسلامی بود. حجاب برگیران که خامنه ای آنرا اقدام تعدادی حقیر نامید با حقارت رژیم اسلامی همراه شد. این حقیقت را هیچکس نمیتواند انکار کند که زنان علیه حجاب، قهرمانان و پیشکسوتان جامعه هستند و حکومت اسلامی را به چالش طلبیدند. چنانچه آخوندهای حکومتی ناچار شدند در خطبه های نماز جمعه يك روز بعد از هشتم مارس علیه زنان شجاع و مدرن عربده کشی کنند. گله آخوند را وسیعاً به میدان فرستادند که مقابله با بی حجابی را اقدامی علیه خدا و پیغمبر اسلام و قرآن اعلام کنند و بر حفظ حجاب اجباری که یکی از پایه های حکومتشان است تاکید کردند. نعره کشیدند و توهین کردند و تهدید نمودند. اما زنان و مردان برابری طلب در ۳۹ سال گذشته این تهدیدها و نعره

جنبش کارگری در موقعیتی جدید

گفتگو با شهلا دانشفر



اتهاماتی امنیتی برایشان پرونده سازی کند و احکام زندان صادر کند. اما کاملاً وحشت زده و محتاط است و وقتی می بیند هوا پس است فوراً عقب می نشیند.

با توجه به خصوصیات فوق مبارزات کارگری در این دوره از نظر شکل و روش مبارزه هم ویژگیهای قابل توجهی پیدا کرده است. اشکال تعرضی تر و جمعی تر مبارزه بیشتر بکار گرفته میشود. دو نمونه برجسته اخیرش اعتراضات ادامه دار کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز است. نفس اینکه در یکروز هزاران کارگر گروه ملی اهواز همراه با خانواده هایشان مارش میروند و شعار میدهند "توپ، تانک، فشفتشه، حساب ما باید پریشه؛" اتفاق سیاسی مهمی است که در روزهای اخیر در چند روز متوالی در شهر اهواز روی داد و کل شهر را به تحرك در آورد. حال نمونه هایی چون تجمع کارگران هپکوی اراک در مقابل ساختمان خصوصی سازیهها در تهران با سرود "زیر بار ستم نمیکیم زندگی"، تجمع هزاران نفره بازنشستگان در مقابل مجلس اسلامی، اعتراضات سراسری کارگران راه آهن، مخابرات، آتش نشانها، برق فشار قوی و دهها مثال و نمونه دیگر را کنار این تصویر بگذارید، ببینید چه خبر است. این اوضاع مهر شرایط متحول امروز را بر خود دارد.

انترناسیونال: با توجه به نکاتی که اشاره کردید، جنبش

شایسته انسان است. از جمله امروز کارگران با شعارهایی چون "حقوق های نجومی، فلاکت عمومی؛" "کارگریم نون میخوایم، دوا و درمون میخوایم؛" "نیروی انتظامی به گوش باش ما کارگریم نه اوباش"، "توپ، تانک، فشفتشه، حساب باید پر بشه؛" "حساب ما پر نشه، اهواز قیامت میشه؛" "سفره ما خالیه، ظلم و ستم کافیه"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "دارند کل بساط سرکوب، دزدسالاری و توحش سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند.

کارگران با این شعارها در مبارزاتشان به مقامات مسئول اولتیماتوم میدهند. خواستار برکناری آنان میشوند. و با شعار "می ایستیم، می میریم، تا حقمون رو بگیریم"، بر روی خواستههایشان پا فشاری کرده و نبردی جانانه را به پیش میبرند. یک نمونه درخشان چنین اعتراضاتی اعتراضات دو هفته اخیر کارگران گروه ملی فولاد اهواز است. در این اعتراضات کارگران با قدرت مبارزات متحدانه خود همراه با خانواده هایشان ایستادند و جنگیدند و همکاران بازداشتی خود را آزاد کردند و بعد هم بر خواستههایی که بخاطر به خیابان آمده بودند، تاکید کردند. در این مبارزات کارگران گروه ملی عملاً نشان دادند که دیگر سرکوب اعتراضات کارگری برای حکومت کارساز نیست. همانطور که در هفت تپه در جریان درگیر شدن کارگران با رستمی وقتی که میخواست قلدردی کند، نیروی انتظامی نظاره گر بود.

رژیم سعی میکند فعالین کارگران را همچنان زیر فشار بگذارد. دستگیر و زندانی کند و با

این مجتمع بزرگ کارگری با گفتن اینکه کارگران طی همین مدت ۱۹۰ روز در اعتصاب بوده اند و به گفته خودشان اگر تولید صورت گیرد، روزانه یک میلیارد تومان فروش خواهند داشت سعی میکند خود کارگران را خطاکار این وضعیت قلمداد کند. و در کنارش با دادن وعده و وعید از کارگران میخواید که سرکارشان باز گردند. اما این وعده و وعیده ها با شعار دروغه، دروغه و خشم و اعتراض کارگران پاسخ میگیرد. و نماینده کارگران روی سکو میروند و میگویند شما اعتراف کرده اید که روزی یک میلیارد تومان از اعتصاب کارگران ضرر کرده اید. یعنی ما روزی یک میلیارد تومان برای شما ثروت تولید میکنیم و گوشه ای از آن حقوق ماست و نمیدهید. و بعد ادامه میدهد خواستههای ما روشن است اگر ندهید ما به اعتراض و اعتصاب ادامه میدهیم.

تمایز دیگر مبارزات کارگری در شرایط کنونی مضمون بشدت رادیکال آنست. این را در شعارهای کوبنده کارگران در مبارزاتشان به روشنی میبینیم. برای مثال کارگر هیکو در تجمع اعتراضی اش با شعار همش میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست، بطور واقعی سیاست رژیم حاکم را به چالش میکشد. حرف کارگر امروز اینست که دیگر به بهانه آمریکا، اسرائیل و دشمن خارجی نمیشود حقوق او را بالا کشید. دیگر نمیشود تحت عنوان اقتصاد مقاومتی و چرندیات دیگری از این دست حقوق چند بار کارگر امروز معیشت و منزلتتش را طلب میکنند و خواهان یک زندگی

بروم سراغ سوال مشخص شما و در مورد جنبش کارگری و تمایزات آن در این مدت توضیحاتی بدهم.

یک ویژگی آشکار مبارزات کارگری امروز اینست که کارگر برای تحقق خواستههایش قاطعانه می ایستد و آنجایی که جوابی نمیگیرد، وارد عمل مستقیم میشود. و این اتفاق معمولاً یکی از ویژگی های دوران انقلابی است. بطور مثال همانطور که اطلاع دارید یک عرصه مهم مبارزات کارگران اعتراض علیه دستمزدهای به سرقت رفته است. این مبارزه ایست هر روزه و در تمام مراکز کارگری و فراتر از آن در میان بازنشستگان، معلمان، پرستاران و بخش های وسیع حقوق بگیران جامعه جاری است. این مبارزه ایست که مساله آن فقط نپرداختن دستمزدها نیست، بلکه مساله رودررویی با رژیم است که از بالا تا پایینش دزد و چپاولگر است و بشدت سیاسی است. یعنی کارگری که ماهها دستمزدش را پرداخت نکرده اند و جاننش به لب رسیده است، در دل این اوضاع دیگر منتظر وعده های کارفرمایان و دولت نمیشود و خودش مستقیم وارد عمل میشود. از جمله شاهد اینیم که در جایی مثل کمپاین سازی تبریز کارگران کارخانه را بدست میگیرند و با فروش ضایعاتش طلبهایشان را نقد میکنند. یا در جاهایی دیگر چون هفت تپه و گروه ملی کارگران با ممانعت از خروج تولید و زیر فشار قراردادن مقامات مسئول قدم به قدم کارفرمایان و دولت را به عقب میرانند و مزدشان را نقد میکنند. فشار این اعتراضات به قدری بوده است که بطور مثال در هفت تپه رستمی یکی از سهامداران

انترناسیونال: اعتراضات کارگری هر روزه گسترده تر و تعرضی تر میشود. آیا این ادامه خطی روندی است که در چند ساله اخیر شاهدش بوده ایم؟ اگر نه تمایزات آن چیست؟

شهلا دانشفر: به نظر من این اعتراضات ادامه خطی روند قبلی نیست. نه جنبش کارگری ادامه روند اوضاع قبل از خیزش انقلابی مردم در دیماه است و نه اعتراضات مردم در آن مقطع ایست کرده است. از نظر من با شروع خیزش انقلابی مردم روند جدیدی در جامعه شروع شده است. از جمله شعار مردم در همان اولین روزی که به خیابان آمدند این بود که گفتند "اصلاحگرا، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" و در دومین روزش شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم سر داده شد. نتیجه اینکه جنبش برای سرنگونی حکومت اسلامی به میدان آمده و شعارهایش بر در و دیوار نقش بسته است و این شرایط را نمیشود به عقب برگرداند.

به این اعتبار تاکید من اینست که جنبش اعتراضی کارگری و اساساً اعتراضات مردم در عرصه های مختلف نبرد با رژیم اسلامی وارد مرحله جدیدی شده و کیفیت جدیدی پیدا کرده است. از جمله در این مدت از یکسو اعتراضات گسترده هزاران کارگر در شهرهای مختلف هر روز گسترده تر و تعرضی تر شده و کیفیتی کاملاً متفاوت بخود گرفته و جلو آمده است و از سوی دیگر به میدان آمدن دختران انقلاب با برداشتن حجاب ها و سرچوب گرفتن آن و تکثیر این اعتراضات کل جامعه را وارد فاز جدیدی کرده است. و اینها هر دو به موازات هم به فضای مبارزه مردم علیه توحش سرمایه داری حاکم عمق بخشیده اند. دو عرصه ای که اعتراض کل جامعه علیه فقر، تبعیض و نابرابری را بیان میکند و هر روزه کل دستگاه سرکوب و جنایت حکومت آپارتاید جنسی را به چالش میکشد. اما اجازه بدهید



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
 Worker-communist Party of Iran
 www.wpiran.org

اعتراضی کارگری در دل خیزش انقلابی مردم که از دیماه شروع شد، چه جایگاهی دارد و پیشروی هایش در این مدت چه بوده است؟

شهلا دانشفروز: تصویر خلاصه ای که از مبارزات کارگری در این دوره دادم به روشنی حضور و جایگاه قدرتمند جنبش کارگری در متن خیزش انقلابی مردم را نشان میدهد و این اتفاق سیاسی مهمی است.

واقعیت اینست که جنبش اعتراضی کارگری و همانطور که خودتان در سوال اول اشاره کردید، در سالهای اخیر روند رو به گسترشی داشته است و پیشروی های آن خود يك فاکتور مهم در کشیده شدن اوضاع سیاسی جامعه به وضعیت امروز و شکل گرفتن خیزش انقلابی مردم است. مثال های بارز آن تجمعات هزاران نفره بازنشستگان، اعتراضات کارگران در مراکز چون هپکو و آذراب در اراک است که مارش با شکوه آنان در وسط شهر اراک با سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی"، از لحظات درخشان ثبت شده در تاریخ مبارزات کارگری در ایران است. و ده ها نمونه دیگر از این دست را میتوان بر شمرد. در این اعتراضات شما به روشنی عروج گرایش رادیکال و پیشرو را شاهدیدم و این را در شعارها و گفتمان های جاری در جنبش کارگری آشکارا میشود دید. بسیاری از شعارها اعتراض به امتیازات طبقاتی است. از جمله کارگر، معلم، بازنشسته حرفش اینست که چرا باید نماینده ۱۰۰ میلیون بگیرد و کارگر زیر خط فقر زندگی کند. و دارند با شعارهایی چون ملك نجومی تو ما را بی مسکن کرده، اگر که ما نبودیم، تو او بالا نبودی، يك اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، لب و اساس اعتراض طبقاتی شان را بیان میکنند. جالب اینجاست که این گفتمان ها را در اعتراضات کارگران، بازنشستگان، معلمان و... می شنوید که بطور زنجیره ای این مبارزات را به هم وصل کرده و عملاً کنار هم قرار داده است.

اینها همه در واقع میتوان گفت شکلی از بیان گفتمان های چپ است که هر روز بیشتر دارد به گفتمان همه مردم و جنبش های اعتراضی جاری

علیه رژیم اسلامی تبدیل میشود. و این اتفاق شورانگیزی است که طبعاً نقش و جایگاه خود ما را نیز به روشنی نشان میدهد.

حال با خیزش انقلابی مردم در دیماه همانطور که اشاره کردم جنبش کارگری وارد فضای جدیدی شده است و هرروز بیشتر با گفتمان های رادیکال خود به خیابان آمده و وارد عمل مستقیم میشود. گروههای هزاران نفره خود را در تلگرام به راه انداخته و از قبل فراخوان به اعتراض میدهد. برای تجمعات خانواده ها را خطاب قرار داده و برای روز معین همراه با آنان به خیابان می آید. برای نمونه در فراخوان های بازنشستگان در سطح سراسری، بازنشستگان فولاد، و در مبارزات نیشکر هفت تپه، و گروه ملی شاهد دخالت مستقیم خانواده ها در حرکت اعتراضی کارگران بودیم. در مبارزات کارگری در عین حال ما شاهد اعمال اراده مستقیم کارگران از طریق اجتماعاتشان هستیم. يك نمونه بارز را در هفت تپه دیدیم که وقتی رستمی به میان کارگران می آید و مجبور به پاسخگویی میشود، اسماعیل بخشی نماینده کارگران بر روی چارپایه رفته و کاذب بودن گفته های وی را بر ملاء میکند و با اعلام اینکه ما تا وقتی به خواسته هایمان جواب داده نشود، سر کار نخواهیم رفت، همه کارگران نیز تایید میکنند و فردایش نیز کل مجتمع در اعتصاب بسر میبرد. اینها همه پیشروی های جنبش کارگری است. و این پیشروی ها جایگاه قدرتمندی به جنبش کارگری در مبارزات کل مردم و روند انقلاب داده است.

انترناسیونال: تاکیدات شما برای به جلو بردن این جنبش چیست؟

شهلا دانشفروز: اولین تاکید من بر اتحاد تشکلهای کارگری و فعالین و رهبران کارگری بر سر خواسته های سراسری کارگری است. بطور مثال در این روزهای پایان سال بحث بر سر میزان حداقل دستمزد داغ است و جنبشی بر سر خواست افزایش دستمزدها ۵ میلیون به راه افتاده است. این جنبشی علیه فقر، علیه حقوقهای نجومی و برای داشتن يك زندگی انسانی است و در متن خیزش انقلابی مردم که روز اولش با

شعارهای مرگ بر گرانی، مرگ بر بیکاری سر بلند کرد، جایگاه و موقعیت دیگری دارد و مستقیماً به اعتراض کل جامعه ربط دارد. بنابراین مهم است که دور این خواست و اعتراض علیه زندگی زیر خط فقر وسیعاً گرد آییم. تا هم اکنون تشکلهای مختلف کارگری بر سر این خواست طی بیانیه هایی مشترک بر روی این خواست تاکید گذاشته اند. همچنین يك بند قطعنامه تجمع اعتراضی بازنشستگان در سوم اسفند نیز به همین خواست اختصاص داشت و ندای زنان ایران نیز بر سر این موضوع بیانیه دادند و اعلام کردند که زندگی زیر خط فقر درد مشترک ماست و حداقل حقوق ها باید ۵ میلیون باشد. در همین راستا شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان تاکید بر دستمزد بالای خط فقر کرده است. آخرین نمونه از همین نوع تحركات بیانیه ۵۳ انجمن صنفی کارگران ساختمانی از شهرهای مختلف است که با عنوان اینکه اگر سری به آمار وجداول بزینم میزان خط فقر برای يك خانوار چهار نفر نزدیک به چهار میلیون تومان است، خواستار دستمزد بالاتر از خط فقر شده اند. این تحركات ادامه دارد. باید به این حرکت و به جنبش علیه خط فقر پیوست. بدون شك اتحاد سراسری ما در اعتراض به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون و لغو حقوق های نجومی يك پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری و کل جامعه است.

تاکید دیگر من بر روی اتحاد علیه امنیتی کردن مبارزات، سرکوب ها و دستگیری ها و مبارزه برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. سه سال میشود که جنبش بر سر این موضوع و با خواست مشخص لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین سیاسی در جریان است. امروز در متن اوضاع جدید اتحاد بر

سر این خواست و مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی کلیدی است. باید خواستار آزادی تمامی دستگیر شدگان اخیر شویم. باید خواستار آزادی دختران انقلاب که به حجاب نه گفتند و آزادی و برابری را فریاد زدند بشویم.

نکته دیگر درس گیری از اعتراضاتی که هر روزه صورت میگیرد و تبدیل آن به سکوی پرشی برای رفتن به جلو است. از جمله بخش عظیمی از کارگران، بازنشستگان، معلمان و حقوقهای بگیران جامعه با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند و نمونه های کمابین سازی تبریز، نیشکر هفت تپه، گروه ملی فولاد اهواز و هپکو در اراک درسهای آموزنده ای برای کل جنبش کارگری دارد. نمونه هایی که در آن کارگران قاطعانه در برابر وعده و وعید ها و سردانن های کارفرمایان و دولت ایستاده اند و با اقدام مستقیم خود تلاش کرده اند دستمزدهای به سرقت رفته شان را نقد کنند. از این تجربیات درخشان میتوان درس گرفت. مثال دیگر سر بلند کردن جنبش علیه بیکاری و تکثیر تجمعات جوانان علیه بیکاری در این شهر و آن شهر است و این میتواند الگوی برای جمعیت میلیونی بیکاری در سطح جامعه با شعار یا کار یا بیمه بیکاری باشد. و نمونه هایی دیگر از همین دست بسیارند.

و بالاخره تاکید من بر مساله تشکل است. در این شرایط میتوان

تشکل های سراسری خود را که نیرویش را از طریق گروههای مبارزاتی مان در تلگرام و در اعتراضات هر روزه مان گرد آورده ایم، رسمیت دهیم و اعلامش کنیم. مثالهای بارز آن در رابطه با کارگران راه آهن، مخابرات، آتش نشانی، برق، بازنشستگان، پرستاران و بخش های دیگر کارگری است.

همچنین در کارخانجات باید محکم به مجامع عمومی مان اتکاء کنیم و با انتخاب نمایندگان واقعی مان پیگیر خواسته هایمان شویم. و یا همانطور که همواره مورد تاکید کارگران صنایع فولاد بوده است با وارد کردن خانواده هایمان در گروه های مبارزاتی ای که در تلگرام شکل داده ایم، نقش و دخالتگری مستقیم تری به آنها دهیم و آنها را جزئی از سازمان و تشکل خود بدانیم. و بالاخره در عالیترین شکل سازمانیابی یعنی در حزب خود متشکل شویم. برای مبارزه علیه جهنم سرمایه داری باید حزب و برنامه و سیاست داشت. برای به زیر کشیدن این بساط بربریت و توحش باید به حزب اتکا کرد. برای به پیروی جنبش ضد ستم و استثمار و سرمایه داری بدون تردید باید حزب داشت. فراخوان من به همه کارگران پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران است. خصوصاً در شرایط سیاسی امروز فراخوان ما، فراخوانی کاملاً سیاسی و حیاتی است. و نباید لحظه ای مکث کرد.

يك زندگی مرغه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع باید برای همه شهروندان در ایران تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید فوراً برای همگان رایگان شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

لیست کمکهای مالی به حزب

مهین علیپور ۲۰۰۰ کرون
پری رشینی ۱۰۰۰۰ کرون

بهرام کلاه زری ۴۰۰ دلار کانادا
سهیلا میلانی ۵۰۰ دلار کانادا

اعتراضات کارگران در سراسر کشور در جریان است!

۲۱ اسفند

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در بیستمین و یکمین روز اعتصاب شان، در خیابانهای اهواز دست به راهپیمایی زده و در مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی بر پا کردند. کارگران در طول راهپیمایی شعار میدادند: "همشهری به هوش باش، ما کارگریم نه اوپاش"، "کارگر میمیرد، ذلت نمیپذیرد"، "این همه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی".

کارگران کاشی و سرامیک حافظ شیراز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۲ ماه حقوق در دهمین روز اعتصابشان دست به راهپیمایی زدند. کارخانه کاشی حافظ با ۱۰۰۰ کارگر در شهرک زرقان در پانزده کیلومتری شرق شیراز (جاده شیراز به اصفهان) واقع شده است.

اعتصاب کارگران راه آهن زاگرس - ۳۲۰ نفر از کارگران راه آهن زاگرس، بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده، در اعتراض به تعویق در پرداخت سه ماه حقوق خود، دست از کار کشیده و در مقابل اداره راه آهن تجمع کردند.

کارگران و پیمانکاران راه آهن درود - خرم آباد شرکت امیدپارس خاتم انبیا، در اعتراض به ۹ ماه عدم دریافت حقوق دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران حوزه راه آهن شمال شرق دامغان (شرکت تراورس) در اعتراض به چند ماه حقوق معوقه و حق بیمه پرداخت نشده شان مقابل فرمانداری و دفتر امام جمعه دامغان تجمع کردند.

کارگران بازنشسته کارخانه آونگان اراک برای سومین روز متوالی، در اعتراض به عدم پرداخت چند سال مطالباتشان، مقابل استانداری اراک تجمع کردند.

جمعی از کارگران دریایی و خدمات بندری شرکت هدایت کشتی در اعتراض به کاهش حقوقشان، دست به تجمع مقابل ساختمان این شرکت در اداره کل بنادر و دریانوردی استان خوزستان واقع در بندر امام زدند.

کارگران مجتمع فولاد و ذوب آهن نطنز در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق اعتصاب و تجمع اعتراضی خود را از سر گرفتند.

کارگران حوزه راه آهن شمال شرق در شاهرود در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، عیدی و مطالبات دیگر پنج روز است به اعتصاب و تجمع ادامه میدهند.

کارگران سد کارون چهار واقع در استان چهارمحال و بختیاری در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق خود دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از کارگران میگوید: با اینکه در روزهای پایانی سال قرار داریم کارگران سد کارون چهار با حدود ۶۰۰ کارگر، از ۶ تا ۹ ماه حقوق نگرفته اند و خانواده های کارگران با مشکلات سختی دست و پنجه نرم می کنند.

کارگران پیمانکاران شهرداری سنندج در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات ۴ ساله خود در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند.

۲۲ اسفند

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سنلیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه از زندان اوین آزاد شد. آزادی او را به وی، به خانواده اش و به کارگران سنلیکای واحد و به همه آنها که برای آزادی او تلاش کردند تبریک میگوئیم.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در بیست و دومین روز اعتصابشان، به تجمعات اعتراضی خود ادامه داده و مقابل استانداری و همچنین مقابل بانک ملی شعبه سرپرستی استان و پل لشکر تجمع کردند. کارگران شعار میدادند: کارگر میمیرد، ذلت نمیپذیرد، مرگ بر ستمگر، این همه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی، تا حقمون رو نگیریم، از پا نمی نشینیم!

تعدادی از کارگران عضو سپیدار ۲ و ۳ مسکن شرکت واحد مقابل دفتر شورای شهر دست به تجمع زدند. این پروژه ۲۷۰ عضو دارد.

بیش از ۲۰۰ نفر از بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل استانداری دست به تجمع زدند. این بازنشستگان از فروردین سال ۹۵ بازنشست شده و بین ۳۰ تا ۳۵ سال سابقه خدمت دارند. آنها تا کنون پاداش پایان خدمت خود را نگرفته اند و مرتب بین استانداری و علوم پزشکی پاسکاری می شوند. بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی به مشکل ذخیره پایان مرخصی خود نیز اعتراض دارند.

۲۳ اسفند

جمعی از معلمان در محل بازداشت محمد حبیبی با خواست آزادی وی و دیگر معلمان زندانی، از جمله اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی، محسن عمرانی و مختار اسدی دست به تجمع زدند. محمد حبیبی، دوازدهم اسفند در محل کارش در هنرستان اندیشی شهریار بازداشت شد.

کارگران فضای سبز و خدمات شهری شهرداری محمدشهر که نزدیک به چهار ماه است حقوق و مزایا و عیدی دریافت نکرده اند، دست به تجمع زدند.

کارگران کنتورسازی و متالوژی پودر در شهر صنعتی قزوین همزمان دست به تجمع زدند. ۲۲۰ کارگر کارخانه کنتورسازی ایران در محوطه کارخانه و کارگران متالوژی پودر ایران در مقابل استانداری تجمع کردند. کارگران کنتورسازی قزوین ۹ ماه و کارگران

متالوژی پودر ۶ ماه مزد خود را طلب دارند. کارگران همچنین عیدی سال امسال و سال قبل را از کارفرما طلبکارند. کارگر کارخانه لامپ کم مصرف ایرانیان قزوین (از شرکت های زیرمجموعه کنتورسازی) مطالباتی مشابه کارگران کنتورسازی دارند.

بیش از ۱۵۰ کادر کمک بهیاری و پرستار بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در محوطه بیمارستان در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات خود دست به تجمع زدند.

کارگران فولاد اهواز همچنان به اعتصاب ادامه میدهند. در بیست و سومین روز اعتصاب کارگران دست به راهپیمایی در شهر زدند و با عزمی استوار شعار میدادند: نه تهدید نه زندان دیگره فایده نداره، می ایستیم می ایستیم. فراخوان تجمع سراسری توسط کارگران راه آهن:

کارگران راه آهن در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق و دیگر مزایای خود قرار است روز ۲۶ اسفند در سراسر کشور دست به تجمع اعتراضی بزنند. کارگران اعلام کرده اند:

بدلیل اینکه تا به امروز حقوق عیدی سنوات و سبب کالا ندادند اعتصاب را شروع می کنیم.

۲۶ اسفند تمامی کارگران ما آماده باشند

۱- کرج ساعت ۱۰ صبح

۲- سلامشهر ۸ صبح

۳- زاگرس و لرستان ۷ صبح

۴- مشهد ۸ صبح

۵- تبریز ۸ صبح

۶- دامغان شاهرود سمنان ۸ صبح

۷- سمنان توی ایستگاه تبریز

۸ صبح

۸- اصفهان ۱۰ صبح

مابقی نواحی هم مقابل ایستگاه خودشان. کارگران خواسته اند که فراخوان این تجمع هرچه وسیعتر اطلاع رسانی شود.

خامنه ای اخیرا در شرایطی که اعتراضات و اعتصابات کارگری با قدرت جلو میروند گفته بود: "ضداثقالب کشور از اول چشمش به کارگرها بود بلکه بتواند جامعه کارگری را به نحوی علیه جمهوری اسلامی تحریک کند". کارگران با گسترش اعتصابات و تجمعات اعتراضی جواب خامنه ای و همینطور خمینی را که اقتصاد را زیربنای الاغ خوانده بود دارند میدهند. کارگران با زبان صریحی جمهوری اسلامی و کلیه ارگان های آنرا دشمن اصلی خود میدانند و با شعار هوش میگرد آمریکاست دشمن ما همینجا است، حقوق های نجومی فلاکت عمومی، یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه و سایر شعارهای خود، خطاب به خامنه ای و سایر مقامات حکومت اعلام میکنند که نیازی به تحریک ندارند. مشکل جمهوری اسلامی این است که "ضداثقالب کشور"، یعنی نیروهای کمونیست، و کارگران هرچه بیشتر دارند به هم نزدیک میشوند و خطر بیشتری حکومت را تهدید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ اسفند ۱۳۹۶، ۱۴ مارس ۲۰۱۸

همه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر فوراً باید آزاد شوند.

در مورد اعتراضات کشاورزان شرق اصفهان

اعتراضات گسترده و وسیعی از جانب کشاورزان شرق اصفهان در رابطه با مشکل آب در جریان است.. با ورود نیروهای مسلح سرکوب جمهوری اسلامی در مقابل مردم معترض، این اعتراضات گسترده تر و حادث شده است. بخشهایی از مردم اصفهان نیز به حمایت از مردم ورزنه وارد اعتراض شده اند. بنا به گزارشها در منطقه ورزنه اصفهان هزاران کشاورز که آب کشاورزی خود را در سالهای اخیر از دست داده اند و با مشکل خشکسالی و نبود محصول و بیکاری و بی تأمینگی مواجه شده اند، چندین روز است دسته جمعی به شهر اصفهان رفته و نسبت به انحراف آب زاینده رود و خشکی محصولاتشان اعتراض میکنند. گفته میشود که یکی از دلایل اصلی کمبود آب ایجاد تونلهایی مثل "تونل گلاب آب" بر رود زاینده رود و هدایت آب به سمت باغها و مزارع خواص حکومتی است و مصارف صنعتی و همچنین سد سازیهای سپاه برای مصارف غیر کشاورزی و ندادن حق آبه کشاورزان باعث نابودی محصولات کشاورزان و از بین رفتن تنها ممر درآمد آنها شده است.

روز ۱۸ اسفند هزاران تن از کشاورزان خشمگین شرق اصفهان و ورزنه در اعتراض به نداشتن حق آبه دست به تجمع اعتراضی زدند و شعار میدادند نترسید نترسید ما همه با هم هستیم، مرگ بر مسئولان، و شعارهای دیگری علیه مسئولین حکومتی سر دادند. گزارشها گویای این است که این اعتراضات ادامه دارد و دیروز ۲۲ اسفند نیز شمار زیادی از کشاورزان ورزنه در کنار پل خواجه تجمع کردند و علیه مسئولین شعار دادند و اعتراض کردند.

مشکل کشاورزان اصفهان يك مشکل جلی و واقعی است. دهها هزار کشاورز این منطقه با از بین رفتن کشاورزی شان با فقر دست و

پنجه نرم میکنند و بارها و بارها به این وضعیت اعتراض کرده اند و جز وعده های تو خالی چیزی نصیبشان نشده است. تأمین زندگی تک تک مردم و وظیفه حکومت است. جمهوری اسلامی موظف است زندگی کشاورزان شرق اصفهان را که کشاورزی شان نابود شده و منبع درآمد قابل اتکایی ندارند با استانداردار قابل قبولی تأمین کند.

بطور واقعی هیچ بخشی از جامعه نیست که از سیاستهای مخرب و ضد انسانی جمهوری اسلامی آسیب ندیده باشد. باندهای حکومتی با غارتگری بیرحمانه منابع طبیعی و چپاول ثروتهای اجتماعی و پروژه های دولتی و خصوصی ای که اهداف ضد مردمی دنبال میکنند، زندگی مردم را دچار نا امنی و بی ثباتی و فقر مینمایند و لطمات جلی ای به زندگی مردم وارد میکنند. يك نکته هشدار دهنده که باید به آن توجه کرد این است که حکومت برای تضعیف اعتراضات تلاش میکند میان بخشهای مختلف مردم تفرقه ایجاد کند و روی این تفرقه ها سوار شود و مردم را عقب براند.

برای دستیابی به زندگی انسانی، باید از شر جمهوری اسلامی خلاص شد. این آن حقیقتی است که به باور اکثریت عظیم مردم تبدیل شده است. در مبارزه علیه جمهوری اسلامی اتحاد صفوف مردم سراسر کشور و جلوگیری از ایجاد تفرقه میان مردم بسیار حیاتی است. همه مردم معترض و بویژه رهبران و فعالین مبارزات اجتماعی باید در هر حرکت اعتراضی به این جنبه و همچنین سوق دادن اعتراضات به طرح شعارها و خواستههای پیشرو توجه کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اسفند ۱۳۹۶، ۱۳ مارس
۲۰۱۸

اعتراضات کارگری روز ۲۰ اسفند

کارگران بازنشسته شرکت ملی فولاد تجمع اعتراضی برگزار کردند و شعار میدادند: صندوق خالی کردین، مار و بیچاره کردین! یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه!

- راهپیمائی عظیم هزاران کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در بیستمین روز اعتصاب در خیابانهای شهر اهواز ادامه یافت. راهپیمائی کارگران از خیابان فلسطین به سمت کیان پارس با شعارهای: "دشمن ما همینجاست، فقط میگن آمریکاست"، "میایستیم میمیریم خمونو میگیریم"، "کارگر میمیرد ذلت نمیپذیرد" انجام و در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند!

- همزمان با برگزاری مراسم نکوداشت سهام عدالت، روبروی محل برگزاری آن در تهران، جمعی از نیروی کار شاغل در شرکت های تعاونی سهام عدالت، در اعتراض به

نامشخص بودن وضعیت شغلی و عدم پرداخت معوقات مزدی خود دست به تجمع زدند.

- ۱۰۰ نفر از کارگران مناطق ۲، ۳ و ۴ شهرداری همدان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران از مذاکره با کارفرما و مسئولین تا پرداخت کامل ۴ ماه حقوق و مزایا خودداری کردند. حق بیمه کارگران به سازمان تأمین اجتماعی نیز پرداخت نشده است. کارگران دلیل عدم مذاکره با کارفرمای شهرداری و مسئولین مربوطه را وعده های تکراری و وقت کشی کارفرما عنوان کردند که قصد دارد با این وقت کشی ها کارگران را اخراج کند. کارگران اعلام کردند در صورت بی توجهی به خواسته های آنها، در روزهای آتی همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد.

پرسنل شرکت خودروسازی

زامیاد در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق آخر سال و عیالی تجمع کردند.

- کارگران شرکت آبفای اهواز بدلیل تعویق در پرداخت حقوق ماهانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

- کارگران کاشی سازی کویر یزد در اعتراض به بیکاری و پرداخت نشدن حقوق خود، پس از تجمع مقابل استانداری این شهر، دست به راهپیمایی زدند. کارگران شعار می دادند و روی بنرهایی که در دست داشتند نوشته شده بود: "ما کارگران کاشی کویر گرسنه ایم"، "کاشی کویر مساویست با فقر و بدبختی".

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اسفند ۱۳۹۶، ۱۱ مارس
۲۰۱۸

اعتراضات کارگری هر روز گسترش می یابد!

اعتراضات کارگری در آستانه پایان سال با شدت و حدت ادامه دارد.

۱۸ اسفند: بیش از ۲۰۰۰ کارگر پروژه های پیمانکاری شرکت صنعتی دریایی ایران صدرا در بوشهر در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق دست به اعتصاب زدند. این شرکت از شرکتهای زیر مجموعه قرارگاه خاتم وابسته به سپاه است.

۱۷ اسفند: تجمع اعتراضی حدود ۸۰ کارگر مجتمع پتروشیمی گچساران وارد دهمین روز خود شد. کارگران این پتروشیمی ۴ ماه است حقوق نگرفته اند.

۱۶ اسفند: کارگران و کارکنان شرکت آلومینیوم ایران اراک در اعتراض به واگذاری سهام بلوکی به برخی مسئولین دولتی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۶ اسفند: بیش از ۵۰۰ کارگر حمل و نقل بین المللی خلیج فارس بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان و وعده های تو خالی کارفرما مقابل ساختمان مرکزی شرکت تجمع کردند.

۱۶ اسفند: برای چندمین روز متوالی اعتصاب کارگران شرکت کیسون پیمانکار پتروشیمی سیلان در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق ادامه دارد.

۱۶ اسفند: کارگران کارخانه کاشی سازی یزد در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به راهپیمایی زدند.

۱۶ اسفند: اعتصاب کارگران رادآهن شهر سلماس وارد چهارمین روز خود شد.

به این اعتراضات لازم است تجمعات پی در پی کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران فولاد اهواز را اضافه کرد.

اعتراضات فوق، گوشه ای از اعتراضات گسترده ای است که تنها در سه روز گذشته در شهرها و مراکز مختلف جریان دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اسفند ۱۳۹۶، ۹ مارس
۲۰۱۸

**به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید**

fb.com/wpiran/

دهها انجمن صنفی با دهها هزار عضو به جنبش افزایش دستمزدها پیوستند.

۵۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی و سه کانون صنفی که هرکدام چندین انجمن صنفی را دربرمیگیرند، در بیانیه ای خواهان افزایش دستمزد بالایی خط فقر و بالایی چهار میلیون تومان شده اند. انجمن های صنفی که تاکنون به این حرکت پیوسته اند از استانهای تهران، اصفهان، خوزستان، فارس، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، قم، خراسان، گیلان، سمنان و کرمان میباشند. در این بیانیه گفته شده که در حالیکه مخارج زندگی در حد مخارج در کشورهای پیشرفته است اما حقوقی که کارگر در ایران میگیرد، بسیار از خط فقر هم پایین تر است. کارگران دیگر نمیخواهند با فقر، بی عدالتی، تبعیض و نابرابری دست و پنجه نرم کنند. حقوق ها باید بالاتر از چهار میلیون باشد. و بدین ترتیب با این بیانیه که دهها هزار کارگر را در بر میگیرد، جنبش افزایش دستمزد گام بلند دیگری به جلو برداشت.

در هفته های گذشته بسیاری از تشکل های کارگری و همبندطور بازنشستگان در بیانیه هایی خواهان افزایش دستمزد حداقل ۵ میلیون تومان شده اند و انجمن های صنفی نیز در واقع با خواست افزایش دستمزد بالایی چهار میلیون همین را میگویند. یک نکته مهم در جنبش افزایش دستمزد تعیین یک رقم مشخص است که امروز تشکل های مختلف کارگری حول آن متحد شده اند.

حزب کمونیست کارگری کلیه انجمن های صنفی کارگران ساختمانی در سراسر کشور و انجمن های صنفی دیگر بخش های کارگری را به پیوستن به این حرکت فرامیخواند. حداقل دستمزد باید بالای ۵ میلیون باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اسفند ۱۳۹۶، ۱۰ مارس
۲۰۱۸

ضمیمه: بیانیه انجمن ها و کانون های صنفی کارگران ساختمانی

ما به دستمزد پایین تر از خط فقر برای کارگران نه میگویم حقوق اولیه يك انسان یا شفاف تر بگویم اولیه ترین حقوق هر انسان تاامین مسکن، پوشاک، دارو، بیمه، تاامین تحصیل کودکان و غذا است. در جامعه ما که شعاع عدالت و برابری سر لوحه آن است، هنوز کسانی هستند که از تاامین این نیازهای اولیه خود محرومند. آری کارگرانی که از چتر رفاه، عدم تبعیض و عدالت محرومند. این صدای خسته کارگرانی است که خط فقر بر خط رفاه و آسودگی آنها خط بطلان کشیده است. این صدا باید شنیده شود تا دستهای از جنس خودمان برای گرفتن دستهای پینه بسته مان دراز شود. کسانی که با ما درد مشترک ندارند، کسانی که خط فقر از پایین نظاره گر آنهاست نمی توانند برای ما قانون و دستمزد تعیین کنند. بدون حضور ما بحث درباره سفره و دستمزد ما واهی و بیهوده است. این فریاد حق طلبی ما باید شنیده شود، باید دغدغه ی ما دیگر سفره خالیمان نباشد، باید فاصله ای بین گرفتن دستمزدمان با عرق جبینمان نباشد، باید این قشر عظیم ستمدیده را دید و صدای خسته شان را شنید. آمارها، جداول و حتی ارقام، شرمسار کارگرانی است که بی حقوق واقع شده اند. کوچکتر شدن سفره کارگران، اختلاف فاحش دستمزد کارگران با میزان خط فقر، ظلم ناروای کارفرمایان، بیمه کارگران و بازنشستگی کارگران، اینها همه و همه باعث شده اند که این قشر فراتر از قبل به فکر دادخواهی خود باشند. در سال ۱۳۹۶ این سفره کوچک و کوچکتر شده، کمترین میزان دستمزد در دنیا به کارگران زرخیز کشورمان رسید. این درحالی است که مخارج زندگیمان در حد کشورهای پیشرفته است. در آمارهای اعلام شده توسط اقتصاددانان در کشورمان خط فقر نزدیک به 4 میلیون تومان است، اما دستمزد کارگران خیلی پایین تر از خط فقر است.

امسال فریاد بلند کارگران بیشتر ازهر زمان دیگری گوش های

سنگین مسئولان را به لرزه در آورد است. اعتصاب و اعتراض کارگران باید منجر به زندگی با رفاه بیشتر در این جامعه برای کارگران شود. این درد دل دلهای زخم دیده ایست که دیگر نمی خواهند با فقر، بی عدالتی، تبعیض و نابرابری دست و پنجه نرم کنند. به زیان ساده بگویم اگر سری به آمار و جداول بزنیم میزان خط فقر برای يك خانوار چهار نفر نزدیک به چهار میلیون تومان است پس ما خواهان دستمزد بالاتر از خط فقر هستیم.

- ۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران
- ۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی میروان و سروباد
- ۳- کانون کارگران ساختمانی استان قم
- ۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه
- ۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان
- ۶- انجمن صنفی پرفکاران کرمانشاه
- ۷- انجمن صنفی آرماتور بند شهرستان شهریار
- ۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بوکان
- ۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی اهر و خرمدره
- ۱۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تقده
- ۱۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان
- ۱۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی هویزه
- ۱۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی گنوند خوزستان
- ۱۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی میانآب
- ۱۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نی ریز
- ۱۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت
- ۱۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شوش دانبال
- ۱۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سبزوار

- ۱۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بوئین زهرا
- ۲۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خرمدره زنجان
- ۲۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کاشمر
- ۲۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خراسان جنوبی
- ۲۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بندر امام خمینی
- ۲۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کازرون
- ۲۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی گرمسار
- ۲۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تبریز
- ۲۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کرمان
- ۲۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دورود
- ۲۹- انجمن صنفی کارگران خباز میروان و سروباد
- ۳۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بندر انزلی
- ۳۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خنج فارس
- ۳۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خراسان رضوی
- ۳۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فیروزآباد فارس
- ۳۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مراغه
- ۳۵- انجمن کارگران ساختمانی اسالم گیلان
- ۳۶- انجمن صنفی کارگران اسفالت کار تهران

- ۳۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مرودشت
- ۳۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کاشان
- ۳۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قوچان
- ۴۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نیشابور
- ۴۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خروزرخان
- ۴۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان رضوانشهر گیلان
- ۴۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاکدشت
- ۴۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فردیس البرز
- ۴۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خلیل آباد
- ۴۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دلپجان
- ۴۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تربت حیدریه
- ۴۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی اصفهان
- ۴۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سرآسیاب ملارد
- ۵۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی اردبیل
- ۵۱- کانون کارگران ساختمانی خوزستان
- ۵۲- کانون کارگران ساختمانی خراسان رضوی
- ۵۳- کانون انجمن کارگران ساختمانی خواف

برابری حقوقی و ۱۵/۵/۱ مدنی همه شهروندان در ایران مستقل از مذهب، زبان و یا قومیت و ملیت فوراً باید عملی شود.

گزارش کوتاهی از مراسم روز جهانی زن در ونکور - کانادا



زنان هم در سطح بین المللی و هم در ایران اشارتی کرده و چالشهای جنبش زنان را با حضار در میان گذاشت. یکی از هنرمند ان محبوب و سرشناس جنبش ازادیخواهی و دادخواهی نجات یافتگان کشتارهای دهه شصت نیز حضار را را به شنیدن جدیدترین ترانه منتشر نشده اش مهمان کرد.

پس از آن گروه رقص گیلکی به اجرای برنامه پرداخت و جشن و شادی تا پاسی از شب ادامه یافت.

میز کتاب حزب و نمایشگاه مبارزات زنان در ایران نیز در گوشه ای از سالن برپا بود که مورد بازدید و استقبال جمعی از حضار قرار گرفت. کمیته ۸ مارس ونکور توسط نمایندگان از؛ فعالین اقلیت، راه کارگر، حزب کمونیست کارگری و شماری از فعالین سوسیالیست تشکیل شده است.



پیام کمیته شامل چگونگی پایه گذاری روز جهانی زن توسط روزا لوگزامبورگ و بین الملل سوسیالیستها و تاثیر جنبش سوسیالیستی بر دستیابی زنان به برخی حقوق خود و همچنین دستاوردهای جنبش زنان در اثر مبارزات مستمر و پیگیر خودشان بود. مقاومت زنان در کویانی - عفرین و کل منطقه خاورمیانه و ایران از جمله نکاتی بود که در این پیام مطرح شد.

شهره قنبری از فعالین کمیته نیز بیاد عزیز خانم مهرانگیز جهانشاهی یکی از مادران مبارز و آزادیخواه که اخیرا از میان ما رفت از همگان خواست که به احترام او پیا خواسته و ادای احترام کنند. میز کوچکی مزین به عکسهایی از او در سالن برپا و گلباران شده بود.

پروین اشرفی سخنان مراسم نیز به نکات مهمی از مبارزات جنبش

امسال نیز مثل سال قبل مراسم شاد و موفقی به مناسبت روز جهانی زن در ونکور برگزار شد. در این مراسم که توسط کمیته برگزاری مراسم روز جهانی زن در ونکور سازمان یافته بود بیش از ۱۵۰ نفر شرکت کردند.

مراسم با خوش آمدگویی مهران اعظمی مجری برنامه با درود به دختران خیابان انقلاب و تقدیر از مبارزات زنان برای آزادی و قراعت قطعه شعری زیبا در مذمت مخالفین آزادی زن و قدردانی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب آغاز شد و گروهی از زنان به نشانه همبستگی با دختران خیابان انقلاب با شالهایی که بر سرچوب کرده بودند وارد صحنه شده و مورد تشویق و ابراز احساسات قرار گرفتند.

سپس تهمینه صادقی پیام کمیته برگزاری مراسم روز جهانی زن در ونکور را به سمع حضار رساند.



فعالین حزب کمونیست کارگری در انگلیس، با پلاکاردها و تصاویری از نمایشات دختران خیابان انقلاب و با حرکات سمبولیک، صدای دختران خیابان انقلاب را در میدان ترافالگار لندن منعکس کردند.



ندای زنان ایران
برگزاری مراسم
روز جهانی زن
در تهران

تصویری پس از آزادی تعدادی از دستگیرشدگان ۸ مارس روز جهانی زن دوشنبه ۲۱ اسفند که بلافاصله بعد از آزادی در مقابل بازداشتگاه سرود آزادی خوانند.



انترناسیونال

نشریه حزب
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

